

دکتر  
سجادی

## السيرة الفلسفية

عنوان رساله ایست از مؤلفات محمد بن زکریا الرازی

این رساله که نمودار روش زندگی و طرز تفکر و سیره علمی یکی از بزرگترین دانشمندان و علماء قرن سه و چهار است در اصل به زبان تازی نوشته شده است و جزء مجموعه رسائل فلسفیه رازی بسال ۱۹۳۹ باهتمام دانشمند نحریر پول کراوس در قاهره طبع و نشر شده است و بسال ۱۳۱۵ علامه اقبال آشتیانی آن را بفارسی بس روانی ترجمه و منتشر کرده اند و اخیراً بمناسبت برگزاری جشن هزارو یکصدمین سال دانشمند مزبور بدستیاری فاضل معاصر آقای دکتر مهدی محقق از طرف کمیسیون ملی یونسکو در ایران طبع و نشر شده است. قطع رقعی ۱۲۵ ص باضافه سر آغاز و پیش گفتار و مقدمه به زبان انگلیسی.

آقای دکتر محقق در مقدمه ۷ صفحه ای خسود که بر این کتاب نگاشته بنحو مستوفی زندگی علمی و فلسفی و طبیعی این دانشمند را بررسی و افکار فلسفی وی را به نحو شایسته تجزیه و تحلیل کرده اند و کارهای علمی او را به روایات مختلف بر شمرده اند. این کتاب که شامل متن عربی و ترجمه فارسی رساله سیره الفلسفیه رازی است نه تنها نمودار کاملی است از طرز کار و رویه زندگی یک مرد فیلسوف

و طبیب و گمیاگر و ریاضی‌دان ایران بلکه سرمشق و راهنمای خوبی است مراهل علم و فضل را .

رازی درغره شعبان ۲۵۱ هـ مطابق با ۸۵۶ م یعنی در عصر نهضت علمی اسلامی و انقلاب اجتماعی پا برصه وجود میگذارد وضع آن روز شهر ری که اکنون آثار مختصری از آن باقی است بدرستی بر ما معلوم نیست و همین قدر میدانیم که این سرزمین مهد مردان بزرگ و دانشمندانی بس گرانمایه و متبحر در علوم و فنون موجود عصر بوده است همچون ابوالفتوح رازی ، فخر رازی .. که هر يك از لحاظ علمی و ادبی آثاری بس جالب تألیف کرده‌اند و خدمات گرانبھائی بجهان علم و ادب و عالم اسلام انجام داده‌اند و نه تنها مایه فخر و مباهات مردم ایران و جهان اسلام بوده‌اند بلکه از لحاظ علمی در دنیای متمدن از دیر باز تأثیر بسزائی داشته‌اند و آثار علمی آنها در مراکز مهم علمی و دانشگاههای دنیا همچنان مورد استفاده و افاده بوده است .

بدیهی است وجود رازی هم مانند دانشمندان بزرگ دیگر مابین اعراب و در دستگاه خلافت اسلامی برای صاحبان نفوذ و احیاناً عالم نمایان قابل تحمل نبوده است .

مضافاً بر آنکه رازی بر حسب رشته‌های علمی و تخصصی که در علم طب و ریاضیات داشته سرآمد سایرین بوده است و قهراً و بطور طبیعی ریاست بیمارستان مهمی بدو سپرده شده مدت‌ها در بیمارستان بدرمان و معالجه مرضی میپردازد و سپس متصدی و رئیس بیمارستان بغداد میشود علاوه بر این افکار وی با آراء متکلمان و فلاسفه عصر خود سازگار نبود و بدیهی است که یکتقر محقق و متتبع و مرد علم و عمل نمیتواند با خیالبافی و خیالپردازی مثنی متفلسف و متکلم هماهنگ باشد و امر غریبی نیست اگر او را متهم بکفر و زندقه کرده باشند و او را ملحد و بی‌دین بخوانند وی مردی متفکر و صاحب نظر در تمام قسمتهای علمی عصر خود بود و آراء

و نظریات و فرضیه‌های بدیعی در علم طب و ریاضیات و فنون طبیعی دیگر داشته است و در عین حال پیرو تقوی و پارسائی و دارای صفات و فضائل انسانی بوده است و از خدمت بخلق و جامعه انسان در حدود امکان و قدرت خود کوتاهی نمی‌کرد.

رازی در رساله سیره فلسفیه خود از ناپکاری مردم یاوه گو و متفلسف و تنگ نظران عصر خود سخت اظهار شکوه و نارضائی می‌کند رازی این رساله را در وضع خاصی بمنظور دفاع از موقعیت و حیثیت علمی خود نوشته است وی اصراری دارد که خود را طرفدار اخلاق سقراط نشان دهد و در طول زندگی خود بر همین عقیده و رویه بوده است. معاندان رازی ابتدا او را متهم بفساد اخلاق کردند و سپس گفتند اصولاً سقراط حکیم هم در کارها و روش خود مصاب نبوده است و چنانکه اشارت رفت از اطراف و اکناف مورد تهمت و افترا قرار گرفت وی در این رساله ابتدا از روش زندگی خصوصی خود بحث کرده و دفاع می‌کند و می‌گوید: ما از راه و روش خود که پیروی کامل از رویه اخلاقی سقراط باشد به هیچ وجه عدول نکرده ایم و انحرافی حاصل ننموده ایم و سپس به سیرت فلسفی خود پرداخته و بر نجها و مشقتهائی که در طول زندگی علمی خود متحمل شده است سخن گفته و بطور کلی در مورد سعادت بشری در این رسالت نظری داده و گوید: ۱ - هر کس را پس از مرگ حالی است خوش یا ناگوار نظیر حالی که او قبل از تفرقه میان جسم و جان داشته. ۲ - کمال مطلوبی که در پی آن موجود شده و بسمت آن رهسپاریم تحصیل لذات جسمانی نیست بلکه طلب علم و بکار داشتن عدل است تا بدین وسیله از این عالم رهائی یافته به عالمی دیگر که مرگ و عالم را در ساحت آن راهی نیست هدایت شویم.

۳ - خواهش نفس سرکش و طبع حریص ما را بدنبال لذات آنی میکشد

لکن عقل برخلاف غالباً ما را از طی این طریق نهی میکند و باموری شریفتر میخواند.

۴ - پروردگار که از چشم تو اب داریم و بیم عقاب بر ما نگرانست و از راه رحمت آزار بر ما نمی‌پسندد ستم و نادانی را از مازشت میداند و از ما خواستار علم و عدل است

پس کسی که بزوار پردازد سزاوار آزا شو. و بقدر استحقاق گرفتار عقوبت شود .  
 ۵ - هیچ کس نباید بدنبال لذتی رود که الم ورنج ناشی از آن کماؤ کینفاً به آن  
 لذت بچربد .

۶ - قوام عالم و بنای معیشت مردم بر روی اشیائی جزئی است از قبیل زراعت  
 و بافندگی .

بعد درباره لذت جاوید بحث کرده گوید انسان نباید بدنبال لذتهای آنی  
 رود و رأی بدیعی درباره لذت و الم اظهار کرده است که درخور توجه است وی کشتن  
 و آزار حیوانات را روانداند و گوید حیوانات موزی و درنده را باید نابود کرد لکن  
 حیوانات بی آزار را نباید کشت و اصولاً نباید کاری کرد که تولید نسل آنها زیاد شود  
 تا ناچار شوند آنها را معدوم نمایند و از خوردن گوشت حتی المقدور باید خوداری  
 کرد زیرا موجب اذیت و آزار حیوانات میشود و چون آزار این حیوانات که جان  
 دارند روانیست پس بطریق اولی آزار انسانها زشت و ناپسند است و حتی آزار به نفس  
 خود و حفظ نفس لازم است بعد درباره طبقات و خصائص مردم صحبت کند و امیال و  
 خواسته های مردم را طبقه بندی کند و گوید بهترین بندگان خدا عادل تر و عالم  
 ترین آنهاست و درخاتمه گوید : حال که از بیان غرض خود فراغت یافتیم به تقریر  
 حال خویش و طعن طاعنین درامی پردازیم و سیرت خود را که تا این حال داشته ایم  
 تشریح میکنیم و گوید هیچ سیرتی درما نبوده است که بدان سزاوار خروج از صفت  
 فلاسفه شده باشیم. در قسمت علمی گوید : اگر ما را هیچ توانائی دیگر جز تألیف  
 همین کتاب حاضر نبود کسی را مجال آن نمیرسید که ما را از استحقاق اختیار نام  
 فیلسوف منع کند تا چه رسد به کتبی دیگر مثل کتابی که در برهان نوشته ایم و کتاب  
 علم الهی و کتاب طب روحانی و مدخل علم طبیعی بنام سمع الکیان و مقاله در زمان و  
 مکان و مدت دهر و خلا و سبب قیام زمین در وسط آسمان و سبب حرکت مستدیر آسمان  
 و مقالات دیگر در ترکیب ... نفس .. هیولی و کتبی در طب مثل الحاوی و در طب ادویه،  
 طب ملوکی و کتاب منصوری و من لایحضره الطیب و در مورد کتاب جامع کبیر گوید

هیچکس پیش از ما بتألیف چنان کتابی نپرداخته .. اجمالاً تا این تاریخ که کتاب حاضر نوشته میشود قریب بدویست کتاب و مقاله و رساله در فنون مختلفه فلسفه از زیر دست من بیرون آمده است. در ریاضیات گوید مطالعه من بقدر احتیاج بوده است اما در قسمت عمل بعون و توفیق الهی از دوحدی که سابقاً معین کردم تجاوز نه نموده ام و راهی نرفته ام که کسی تواند گفت که سیرت من سیرتی فلسفی نبوده است مثلاً هیچگاه بعنوان مردی لشگری یا عاملی کشوری بخدمت سلطانی نه پیوسته ام و اگر در صحبت او بوده ام از وظیفه طبابت و منادمت قدم فراتر نگذاشته ام هنگام ناخوشی بپرستاری و اصلاح امر جسمی او مشغول بوده ام و در وقت تندرستی بمؤانست و مشاورت او ساخته ام ...

در باب خوردن و آشامیدن و ملامتی کسانی که مرا در این حالات دیده اند دانسته اند که هیچگاه بطرف افراط متمایل نبوده ام و جهد من در طلب دانش تا آن حد بود که در یک فن به خصوص به خط تعویذ بیش از ۲۰۰۰۰ ورقه چیز نوشته و پانزده سال از عمر خود را شب و روز در تألیف جامع کبیر صرف کرده ام پس اگر اموری که گذشت در پیش چشم مخالفین باعث تنزل رتبه من در مقام فلسفه عملی است و غرض ایشان پیروی از سیره دیگری است آنرا بمشاهده یا مکاتبه بما بنمایند تا اگر از سیره ما بهتر است آنرا اختیار کنیم و اگر خطائی و نقصی در آن راه دارد بر آن پردازیم . در جزء عمل میتوانم در مقابل دشمنان خود گذشت کنم و به تقصیر خود در این مرحله اذعان آورم اما نمیدانم که در قسمت علمی چه خواهند گفت . والسلام .

ما توفیق و سعادت آقای دکتر مهدی محقق فاضل ارجمند را در راه خدمت بفرهنگ و علم و ادب خواستاریم .

### بدنیست بدانید که :

از سه هزار سال قبل از میلاد الفبائی از طرف سومریها بکار میرفته که ۵۰۰ تا ۶۰۰ علامت و صد حرف صدا دار داشته است . این الفبا تقریباً شبیه الفبا و خطوط میخی بوده است .